

نقش دعا در درمان بیماری‌ها (کرونا)

محمد محمدرضایی *

محمود امیریان **

چکیده

بحث شرور و رابطه آن با وجود و صفات خدا، از مسائل مهمی است که ذهن متفکران را همواره به خود مشغول داشته است. در حال حاضر که جوامع بشری گرفتار بیماری کرونا است، رابطه شر و دعا در جامعه جهانی به طور عموم و در جوامع ایمانی به طور خصوص، دارای اهمیت است. امروزه سؤالاتی - مانند اینکه آیا در جامعه کنونی با پیشرفت علم و تکنولوژی دیگر نیازی به دعا برای درمان بیماری‌ها هست؟ آیا دعا جایگزین مداوای مادی بیماری می‌شود؟ - مطرح است. مقاله پیش‌رو بر این باور است که سنت الهی، بر درمان بیماری‌ها به وسیله داروهای طبیعی است و عدم رجوع به آن، نشانه عدم عقلانیت است؛ اما دعا نیز با فراهم بودن جمیع شرائط در درمان برخی بیماری‌ها مؤثر است و این تأثیر در راستای قانون اسباب و مسببات و از سنن دیگر الهی در درمان بیماری‌ها است. علاوه بر این کارکردهای دیگری برای دعا مانند در امان بودن از وسوسه‌های شیطان، کسب آرامش، امید به زندگی و تقویت سیستم ایمنی بدن، وجود دارد.

واژگان کلیدی: کرونا، دعا، شر، توحید، شیطان، سنت الهی.

*. استاد فلسفه دین دانشگاه تهران؛ mmrezai@ut.ac.ir

** سطح چهار تخصصی کلام اسلامی - مؤسسه امام صادق (علیه السلام)؛ mafkalam@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۷/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۹

مقدمه

تاریخ و پیشینه بحث از شرور به بلندای تاریخ انسان است. در حوزه دین پژوهی، بحث شرور و راز و فواید آن و نیز رابطه آن با وجود خداوند و صفات او و توجیه اخلاقی وجود شر، از مسائل بسیار مهمی است که ذهن متفکران را همواره به خود مشغول داشته است. معضل شر و درد و رنج، ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد که پژوهشگران در طول تاریخ به آن پرداخته‌اند؛ اما رابطه شر و درد و رنج و دعا از مسائلی است که کمتر بدان پرداخته شده است. اهمیت این بحث زمانی دو چندان می‌شود که جامعه جهانی را بیماری به نام کرونا درگیر خود ساخته است. جامعه ایمانی نیز علاوه بر گرفتاری در مواجهه با این بیماری، گرفتار برخی از شبهات در این زمینه نیز شده است. شبهاتی از قبیل این که فلسفه ادعیه در رفع بیماری‌ها چیست؟ آیا در جامعه کنونی که علم و تکنولوژی پیشرفت شگرفی کرده است، دیگر نیازی به دعا برای درمان یا بهبود بیماری‌ها هست؟ آیا واقعاً دعا جایگزین مداوای مادی بیماری می‌شود؟ آیا ادعیه موجود در درمان برخی از بیماری‌ها، به‌سخره گرفتن جامعه پزشکی محسوب نمی‌شود؟ پاسخ به چنین شبهاتی از چند جهت دارای ضرورت است:

الف) محافظت از دین در مقابل شبهات؛

ب) محافظت از ایمان مردم متدین؛

ج) گرایش به دین مخصوصاً دین اسلام به واسطه آشکار ساختن فلسفه ادعیه در کلام معصومان علیهم‌السلام.

بنابراین این نوشتار جامعه هدفی به گستره تمام بشریت دارد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که ادعیه در بهبود و درمان شرور و درد و رنج‌ها، مخصوصاً در مورد بیماری کرونا چه جایگاهی دارد؟

در کتاب‌های ادعیه، دعا‌های مناسب هر درد و بیماری وجود دارد. مثلاً برای درد دندان و آزاد شدن از زندان و رفع ضرر و زیان. حال سؤال این است که فلسفه این دعاها چیست؟ آیا در دنیای معاصر با رشد علم پزشکی و تکنولوژی باز به این دعاها نیازمندیم؟ و یا این که بسیاری از مردم هنگام بیماری و رنج برای نمونه کرونا به



حضرات ائمه معصومین علیهم السلام متوسل می‌شوند؛ آیا توسل، در هنگام درد و سختی امر درستی است؟ حتی برخی از افراد، کار را بدان‌جا کشانده‌اند که در برخی اجتماعات دانشجویی این دعاها را به سخریه گرفته‌اند. آیا در وراء این دعا و توسلات فلسفه و حکمتی وجود ندارد؟
برای بازیابی به پاسخ این سؤالات، نکاتی را ذکر می‌کنیم:

هدف از بعثت پیامبران

در اسلام، هدف بعثت پیامبران، توحید و یکتاپرستی و عبادت خداوند یگانه و کمال مطلق است. آدمی تنها از طریق توحید و عبادت خداوند و اطاعت از قوانین و دستورات او و انجام اعمال نیک و رشد فضایل و کرامت اخلاقی و پرهیز از پیروی شیطان و طاغوت و رذایل او است که به کمال واقعی خود، نایل می‌شود.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾؛ (نحل: ۳۶)

«در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید]: خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریب‌گر] پرهیزید. پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است. بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است».

و یا در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ (ذاریات: ۵۶)
«جن و انس را نیافریدم، جز برای آنکه مرا پرستند».

«عبد» از نظر لغت عرب به انسانی گفته می‌شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست او است. به تعبیر دیگر عبودیت نهایت خضوع و تذلل در برابر کسی است که انسان اعتقاد به الوهیت او داشته باشد. به همین دلیل تنها کسی می‌تواند معبود باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست. بنابراین عبودیت نهایت اوج تکامل یک انسان و قرب او به خداست. عبودیت اطاعت بی‌قید و شرط و فرمانبرداری در تمام زمینه‌هاست و



بالاخره عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی؛ یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام برندارد و هر چه غیر اوست را فراموش کند. این است هدف آفرینش بشر که خدا برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم ساخته و علم و آگاهی به انسان داده و نتیجه نهایی آن غرق شدن در اقیانوس رحمت الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۶ و ۳۸۸).

بنابراین علت اینکه در قرآن کریم علت آفرینش، عبادت ذکر شده است (ذاریات: ۵۶)، این است که جز این راه راهی برای رسیدن به کمال نهایی نیست. استاد جوادی آملی (حفظه الله) در این زمینه می گوید: «در نظام تکوین هر معلولی بنده علت خود است، در حدوث و بقاء از آن پیروی می کند و در ذات و صفت و فعل، فرمان آن را می برد، هیچ گونه گسستگی در رشته علیت راه ندارد، عناوین اسلام، تسبیح، سجده، عبودیت و اطاعت که در قرآن آمده همه ناظر به همین مطلب است، بر اثر حکمت خدای سبحان هیچ کاری بیهوده از او صادر نمی شود، چون خداوند حکیم است و هر حکیمی کارش را با هدف انجام می دهد، پس کار خداوند دارای هدف است و بر اثر غنای ذاتی او هیچ چیزی نمی تواند هدف ذات حق باشد، زیرا لازمه اش آن است که ذات بدون آن هدف کامل نبوده و با نیل به آن کامل شود، در حالی که واجب الوجود عین کمال، صرف و نامحدود است، هدف انس و جن در نظام تشریع تکامل عبادی آن ها است و اگر انسان که دارای روح مجرد عقل است، آن را شکوفا کند و از همراهان خود سبقت بگیرد، خودش هدف بسیاری از موجودات مادون قرار می گیرد ... و در مجموع می توان یقین شهودی به معارف را هدف نهایی آفرینش انسان دانست» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۴).

عبادت بهترین شیوه شکرگزاری

خداوند متعال علاوه بر اینکه مخلوقات خویش اعم از جنیان و انسان ها را به صفحه عالم هستی آورده و آن ها را از عدم به عالم وجود آورده است، انواع و اقسام نعمت ها را برای بهره برداری آن ها آفریده است. بنابراین طبق قاعده عقلی لزوم شکر منعم، بر آن ها لازم است تا شکر منعم را به جا بیاورند و عبادت بهترین شیوه برای این



شکرگزاری است. البته بهترین شکل شکرگزاری و عبادت به گونه‌ای است که خود منعم (خداوند متعال) آن را معین کرده باشد که در شرایع آسمانی آمده است. از سوی دیگر عبادت مستلزم شناخت واقعی خداوند و تبعیت از کمالات واقعی و اجتناب از رذایل است. اگر همه کارهای انسان صبغه الهی پیدا کند. عنوان عبادت بر آن‌ها صدق می‌کند و اگر در اسلام نماز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، به این دلیل است که در نماز واقعی تمام وجود انسان، اعم از جهات بدنی و ظاهری و جهات ذهنی و قلبی و باطنی، در خدمت خدا قرار می‌گیرد و نیز در واقعیت آن، اجتناب از رذایل نهفته است (البته قصه عبادت ظاهری و منافقانه متفاوت از عبادت واقعی خداست). از این‌رو، خدا و راه او و هر چه را که ما را به مقام قرب الهی برساند، نیکو و خیر است.

شیطان مظهر انحراف و اغواگری

شیطان مظهر انحراف و اغواگری انسان‌ها است که اگر ما لحظه‌ای از کید و سوسه‌های شیطانی غافل شویم، ممکن است از راه الهی که همان راه مستقیم است، فاصله بگیریم. شیطان اعلام کرده است، که من همه انسان‌ها را اغوا و گمراه می‌کنم، مگر بندگان مخلص خدا را که بر آن‌ها سلطه ندارم.

﴿قَالَ فِعْزَتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ﴾؛ (ص: ۸۲-۸۳)
 «[شیطان] گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را به‌طور جدّ از راه به در می‌برم، مگر آن بندگان پاک دل تو را».

و نیز شیطان، اعمال نادرست را، به گونه‌ای زینت می‌دهد که ممکن است، در هر لحظه ما را از مسیر توحید و راه درست منحرف گرداند.

﴿وَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾؛ (عنکبوت: ۳۸)
 «و شیطان کارهای‌شان را در نظرشان بیاراست و از راه بازشان داشت با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند».

بنابراین انسان دائماً باید با بصیرت هر چه تمام، مواظب کید و مکر شیطان باشد و در این راه تنها به خدا پناه برده از او مدد بگیرد.

عقلانیت مؤمنانه

خداوند انسان را به نیکوترین شکل آفرید (تین: ۴) و همه وسایل مورد نیاز رشد مادی و معنوی را در اختیار او قرار داده است تا با استفاده از آنها بتواند مقدمات رشد و کمال خود را تأمین کند.

در حوزه نیازهای مادی قرآن می‌فرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ (جاثیه: ۱۳) «و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد، همه از اوست. به‌طور قطع در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است».

اگر انسان برای رفع نیازهای مادی خود نتواند به اندازه توانایی خود و به نحو مناسب از جهان پیرامون خود استفاده نماید، باید در عقلانیت او تردید نمود. برای مثال خداوند برای استفاده از نور و حرارت، خورشید را خلق نموده است.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرُ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْحِسَابَ﴾؛ (یونس: ۵) «اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد و برای آن منزل‌هایی معین کرد تا شماره سال‌ها و حساب را بدانید».

حال کسی را در نظر بگیرید که در شب ظلمانی، بدون استفاده از نور می‌خواهد مطالعه کند. شما در مورد او چه فکر می‌کنید؟ می‌گویید، خداوند، خورشید را برای روشنایی انسان‌ها خلق نموده است، شما می‌توانید با استفاده از پرتو خورشید، مطالعه نمایید.

خداوند جهان مادی و انسان را آفریده است و لازمه این جهان مادی، حرکت و رشد و تراحم و ناسازگاری است. اجزاء جهان ماده نمی‌توانند بدون حرکت و تضاد و تراحم، به کمال واقعی خود نایل گردند و لازمه این حرکت درد و رنج است. وجود آتش در مجموع خیر است و می‌تواند برای زندگی آدمیان مفید باشد؛ اما گاه زیان نیز می‌رساند و درد و رنج نیز می‌آفریند.

فارابی فیلسوف بزرگ اسلامی در این باره می‌گوید: «خدا که در قدرت و حکمت و علم خود تام است، تمامی افعال او کامل و بدون نقص و عیب است. آفات و شروری که عارض اشیای طبیعی می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است. عالم ماده



نمی‌تواند خیر محض را بپذیرد» (فارابی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۶).

از این‌رو، انسان در طول زندگی خود ممکن است دچار انواع بیماری‌ها و درد و رنج شود. خداوند برای رفع درد و رنج تا حد ممکن وسایل و ابزارهای بهبودی آن بیماری را در این عالم فراهم نموده است که باید از آن‌ها استفاده نمود. حال اگر انسان دچار بیماری و درد و رنج شود و برای رفع آن از داروهای طبیعی و خودساخته بشری استفاده نکند، در عقلانیت او باید تردید نمود و اگر آن فرد عامدانه، از داروها و ابزارهای مناسب برای حفظ جان خود استفاده نکند، به احتمال زیاد مصداق نوعی خودکشی است که مورد ملامت قرآن قرار گرفته است: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾؛ (بقره: ۱۹۵) «خود را با دست خود به هلاکت می‌افکنید».

تفکر نادرست

بسیاری از فیلسوفان و متفکران، رنج و درد را با شر همسان می‌دانند که به نظر درست نیست. درد و رنج یک واقعیتی است، اما بد و شر دانستن آن، نیازمند یک جهان‌بینی و ایدئولوژی و نیز دیدگاه فلسفی است که بر اساس آن، در باب رنج و سختی به داوری بپردازیم.

کسانی که عاشق و مشتاق علم و دانش و یا کسب عنوان قهرمانی در رشته خاص ورزشی و یا کسب مهارت و یا استقلال و آزادی کشور خود از یوغ متجاوزان و استعمارگران هستند، رنج و سختی زیادی را برای نیل به اهداف خود مشتاقانه متحمل می‌شوند و آن‌ها را به جان می‌خرند و در مسیر نیل به هدف، همین سختی‌ها، لذت‌بخش است، و هیچ‌گاه آن‌ها را شر و بد نمی‌دانند. اصولاً انسان به هر میزان که درد و سختی را در مسیر کسب فضایل تحمل کند به همان میزان این فضایل و بالتبع لذت آن، نصیب او خواهد شد و یا کسانی که برای معالجه و بهبودی بیماری خود، رنج و درد زیادی را به جان می‌خرند و هیچ‌گاه آن‌ها را بد نمی‌دانند. بنابراین درد و رنج و شر دو مقوله متفاوتند و به قول آن فیلسوف رواقی، ای رنج هر چند مرا بیازاری ولی من تو را شر و بد نمی‌دانم. یا عقیله بنی‌هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام با این‌که در حادثه عاشورا، رنج و سختی جان‌گداز و طاقت‌فرسایی را متحمل شد، با این حال بر

اساس دیدگاه الهی و عرفانی خود اعلام می‌دارد که «ما رأیتُ اَلاً جمیلاً»؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۹۴) من غیر از زیبایی، چیزی را مشاهده نکردم.

شرور و کرونا و ادعیه معصومان علیهم‌السلام

حال بر اساس مطالبی که بیان شد به اصل بحث می‌پردازیم. خداوند، انسان‌ها را به نیکوترین شکل ممکن آفریده است و از سر حکمت و لطف و مهربانی، همه وسایل رشد مادی و معنوی را هم در اختیار او قرار داده است. خداوند از انسان خواسته است که از راه مستقیم تبعیت کند و همواره مواظب مکر و وسوسه‌های شیطان باشد تا او را از مسیر مستقیم منحرف نگرداند. اما خداوند برای رشد معنوی انسان، او را با انواع وسایل ممکن آزمایش می‌نماید. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾؛ (عنکبوت: ۲-۳) «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد» و یا در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ (بقره: ۱۹۵) «و به طور قطع شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را».

از آیات قرآن بر می‌آید که خداوند در این دنیا ما را با انواع رنج‌ها و مصیبت‌ها امتحان و آزمایش می‌نماید. البته رنج و مصیبت به خودی خود شر نیست. آن‌ها هنگامی شر می‌شوند که ما را از راه خدا باز بدارند.

در زمانی که ما با رنج و مصیبت آزمایش می‌شویم، شیطان دست به کار می‌شود و با انواع وسوسه‌ها سعی می‌کند ما را از خدا دور سازد. مؤمنان واقعی کسانی هستند که در این آزمایش‌ها فریب شیطان را نمی‌خورند و پناه به خدا می‌برند.

آیات قرآن به ما آموزش می‌دهد که در این مواقع؛ یعنی در هنگام رنج و مصیبت و وسوسه‌های شیطانی به خدا پناه ببریم و خدای ناکرده به انحراف کشیده نشویم (اعراف: ۲۰۰؛ فصلت: ۳۶).

حال به سراغ دردها و ناراحتی‌های انسان می‌رویم. در برخورد با دردها و بیماری‌هایی که برای انسان عارض می‌شود شیوه‌های مختلفی وجود دارد که باید مورد تبیین و توضیح واقع شود.

شیوه طبیعی و رایج

در این شیوه برخورد با دردها و بیماری‌ها، انسان از امکانات و داروهای موجود طبیعی در این دنیا که خداوند متعال در اختیار او قرار داده است استفاده می‌کند. این نوع برخورد روشی عاقلانه و یکی از سنت‌های جاری الهی در عالم است. اساساً نظام جهان بر پایه زنجیره اسباب و مسببات سامان گرفته و جریان دارد. در این نظام هر معلولی علت یا عللی دارد. حوادث طبیعی، چه سودمند و چه زیان‌بار، دارای زمینه‌ها و عللی است که از آن تخلف نمی‌کند. البته علل حوادث در علت‌های مادی منحصر نیست و بسیاری از حوادث طبیعی زمینه‌های و علل معنوی هم دارد؛ هرچند علل معنوی همواره توسط علل مادی اثر می‌کند. مثلاً بی‌اعتنایی به امور اخلاقی، ظلم‌ها و حق‌کشی‌های فراگیر، ممکن است موجب کاهش باران و خشکسالی شده و از این راه بر رشد منفی نیازمندی‌های غذایی یک جامعه تأثیر منفی بگذارد. بر این اساس سنت‌های الهی در همه جای جهان به یک منوال است و استثنایی در آن نیست. حتی در اموری که ما آن را استثنا می‌پنداریم، باز بر اساس سنت و سببی انجام می‌گیرد.

از این‌روی مراجعه به متخصصان در هر علمی طبق روال طبیعی زندگی در عالم دنیا است. اساساً مراجعه به متخصصان در هر علمی از سنن جاری در عالم دنیا قلمداد می‌شود. همانطور که انسان در هنگام خرابی خودرو خویش بدون هیچ تأملی سراغ تعمیرگاه رفته و درست شدن آن را متوقف به دعا و توسل نمی‌کند، در امور پزشکی نیز چنین است. روال طبیعی زندگی بر این منوال است که انسان به پزشک مراجعه نماید.

بنابراین در صورت ابتلا به هر بیماری از جمله بیماری کرونا، عقلانیت انسان اقتضا می‌کند به مداوای مادی آن بپردازد و اگر شخصی جهت رفع بیماری خود از داروها و معالجه که تجربه بشری است استفاده نکند، مثل کسی می‌ماند که در شب ظلمانی به مطالعه بپردازد و این روشی به دور از عقلانیت است.



شیوه غیرطبیعی و نادر

قبل از توضیح این شیوه، ذکر مقدمه‌ای ضروری است که راه‌های درمان بیماری‌ها منحصر در راه‌های شناخته شده، رایج و طبیعی نیست؛ بلکه راه‌های دیگری وجود دارد که غیرطبیعی و البته نادر است و این موارد استفاده از دعاها و توسل به خداوند متعال است. نباید تصور کرد که این شیوه ناقض اصل علیت و اسباب و مسببات است؛ زیرا علل، منحصر در علل شناخته شده و مادی نیست. در عالم هستی علل غیرطبیعی، معنوی و شناخته نشده‌ای وجود دارد که باعث ایجاد معلولات متناسب با خویش می‌شود. با توجه به این نکته درمان بیماری‌ها منحصر در شیوه طبیعی و رایج در عالم هستی نیست؛ بلکه شیوه دیگری در درمان بیماری‌ها وجود دارد که در برخی از انسان‌ها تحقق می‌یابد. این راه که استفاده از دعاها و توسل به خداوند متعال است دارای شرایط خاص خود است که معمولاً برای انسان‌ها شناخته شده نیست. این شیوه نیز یکی دیگر از سنن الهی است که در عالم جاری است؛ اما سنت رایج و معمول نیست. وجود روایات و دعا‌های زیادی که در کتب ادعیه در درمان بیماری‌ها وجود دارد و نیز مشاهده بیماران متعددی که بدین وسیله بیماری خویش را درمان کرده‌اند، اثبات‌گر این شیوه در برخورد با بیماری‌ها است.

البته کارکردهای دیگری نیز برای دعا و توسل در هنگام بیماری‌ها وجود دارد که مبارزه با وسوسه‌های شیطان و آرامش‌دهی از آن جمله است.

در هنگام سختی و درد و مصیبت، شیطان فعال می‌شود و سعی می‌کند ما را با انواع وسوسه‌ها از خدا و راه او جدا نماید. در این مواقع است که دعا‌های وارده کارساز است. به تعبیری در جریان این دردها از وساوس شیطانی به خدا پناه می‌بریم که البته به معنای نادیده گرفتن درمان مادی بیماری نیست. البته نفس توجه به خدا که خلقت و تدبیر همه موجودات به دست اوست و توسل به حضرات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) فی نفسه می‌تواند اراده و توکل ما را قوی‌تر سازد و حتی گاهی آن بیماری را نیز شفا دهد، ولی نظم و تدبیر عالم به گونه‌ای نیست که درمان مادی از این طریق صورت گیرد. بنابراین نفس دعاها در هنگام بیماری توجه به توحید و پرهیز از وساوس شیطانی است که خدای نکرده این بیماری و درد ناشی از آن به گونه‌ای نباشد که ما را از مسیر

توحید و اعمال صالح باز دارد.

افرادی که این دعاها را خدای ناکرده به سخریه می‌گیرند، به ناروا فکر می‌کنند که این دعاها جایگزین مداوای مادی بیماری است. در صورتی که دعا، تأمین کننده جنبه توحیدی و معنوی بیماری است که سعی دارد انسان را در این آزمون الهی موفق بدارد. حال با توجه به این مطالب به تحلیل برخی از این دعاها می‌پردازیم:

برای مثال در مورد درد دندان، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است به موضع سجده خود دست بکش، سپس دندان درد گرفته را مسح کن و بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافِي اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۵۴) به نام خدا و شفادهنده خداست و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ. در واقع این دعا این حقیقت را آشکار می‌سازد که انسان در هنگام درد نیز، دست بر موضوع درد گذاشته و توحید را فریاد زند تا از این درد و ناراحتی و به تعبیری آزمایش الهی موفق بیرون آید و اجازه ندهد که شیطان به بهانه درد او را از مسیر توحید خارج سازد.

یا از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده است: اگر برای ضرر زدن به من، جن و انس جمع شوند پروا نمی‌کنم، هرگاه این کلمات را بگویم:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي فَأَحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ أَدْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۸) به نام خدا و با خدا و از خدا و به‌سوی خدا و در راه خدا. پروردگارا خود را به تو تسلیم کردم و رویم را به‌جانب تو نمودم و کارم را به تو واگذار کردم، مرا به حفظ ایمان حفظ کن از پیش رویم و از پشت سرم و از جانب راستم و از طرف چپم و از بالای سرم و زیر پایم و به حول و قوه‌ات از من دفاع کن، چراکه قدرت و نیرویی نیست، مگر به خدای والای بزرگ.

و نیز از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که فرد دردمند دست در موضع درد بگذارد و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ» بعد بر آن دست بکشد و هفت مرتبه بگوید:



«أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۶) پناه می‌برم به عزت خدا و پناه می‌برم به قدرت خدا و پناه می‌برم به شکوه خدا و پناه می‌برم به عظمت خدا و پناه می‌برم به جمع خدا و پناه می‌برم به رسول خدا ﷺ (درود خدا بر او و خاندانش) و پناه می‌برم به نام‌های خدا، از شر آنچه حذر می‌کنم و از شر آنچه بر خود می‌ترسم.

نیز از همان حضرت ﷺ نقل شده: دست بر جای درد بگذار و بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ»؛ (همان) بنام خدا و به خدا، محمد ﷺ رسول خداست و جنبش و نیرویی نیست جز به خدای والای بزرگ، خدایا دردی را که در وجودم احساس می‌کنم برطرف فرما. و «سه» مرتبه جای درد را به دست راست مسح کن.

همچنین در دعایی برای رفع بیماری آبله، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انگشت سبابه را بر روی آن بگذار و به دور آن بگردان و هفت مرتبه بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۸۲) نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی‌همتایی که صاحب حلم و کرم است.

در این ادعیه نیز تمام تکیه بر روی اصل مهم توحید و اسماء و صفات الهی است. اصلی که یکی از اهداف بزرگ ارسال تمام انبیای الهی بوده است (نحل: ۳۶).

کارکرد دیگر دعا و توسل به معصومان علیه السلام آرامش‌دهی، اطمینان خاطر، امید و قدرت روحی به بیماران است. دعاها بیماران را در برابر نگرانی و پریشان حالی ناشی از ترس بیماری یاری می‌کند. در این راستا مقام معظم رهبری در سخنرانی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، ضمن تأکید بر رعایت توصیه‌ها و دستورالعمل‌های مسئولان در خصوص پیش‌گیری و فراگیری آلودگی کرونا فرمودند: «از این دستورها نباید تخلفی شود؛ چرا که خداوند ما را موظف کرده است در قبال سلامت خود و دیگران احساس مسئولیت کنیم. بنابراین هرچه به سلامت جامعه و جلوگیری از شیوع این بیماری کمک کند، «حسنة» و هرچه به شیوع آن کمک کند،



«سیئه» است». رهبر انقلاب اسلامی در توصیه‌ای دیگر همگان را به توسل و توجه به پروردگار فراخواندند و گفتند: «البته این بلا آن‌چنان بزرگ نیست و بزرگ‌تر از آن نیز وجود داشته است، اما بنده به دعای برخاسته از دل پاک و صاف جوانان و افراد پرهیزگار، برای دفع بلاهای بزرگ بسیار امیدوارم؛ چرا که توسل به درگاه خداوند و طلب شفاعت از نبی مکرم اسلام ﷺ و ائمه بزرگوار علیهم‌السلام می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف کند!»

امروزه در روان‌پزشکی، پزشکی و روان‌شناسی مدرن اثبات شده که منشأ بسیاری از بیماری‌های جسمی و از جمله بیماری‌های صعب‌العلاج، نابسامانی‌های روانی مثل استرس، اضطراب و افسردگی است. بیماری‌های روان‌تنی، بیماری‌هایی جسمی با منشأ روانی است. از این‌رو اگرچه رعایت اصول و مسائل بهداشتی اهمیت دارد، اما به تنهایی نمی‌تواند بیماری‌ها را از بین ببرد. مشکلات روان‌شناختی موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن شده و بدن را در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. اعتقادات دینی، دعا، مناجات با خدا و توسل به ارواح پاکان علاوه بر آثار معنوی و تکوینی، عامل مهمی در آرامش، امید و احساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک فراوان می‌کند. افراد بی‌دین و مذهب، به سبب اینکه در بحران‌ها ممکن است خود را بیازند و احساس استرس و ناامیدی کنند، نسبت به مؤمنان در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیری بیش‌تری دارند.

برای نمونه روان‌شناس برجسته مغرب زمین کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵م - ۱۹۶۱م) در این باره می‌گوید:

«در میان همه بیمارانم که در نیمه زندگی خود بودند؛ یعنی بالای ۳۵ سال حتی یکی وجود نداشت که مشکل او پس از نومیدی از همه وسایل دیگر، یافتن چشم اندازی دینی به زندگی نبوده باشد. با اطمینان می‌توان گفت که هر یک از آنان بیمار شده بودند؛ زیرا چیزی را از دست داده بودند که ادیان زنده هر عصر به پیروان خود آموخته بودند و هیچ یک از آنان تا هنگامی که دیدگاه دینی خود را از نو باز نیافتند، واقعاً شفا پیدا نکردند» (مک کواری، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵).

بنابراین با تأمل و دقت در دعا‌های مخصوص بیماری، نتیجه می‌گیریم که اولاً

یکی از سنن الهی در درمان بیماری‌ها، همین دعاها هستند که البته به صورت نادر و با فراهم شدن جمیع شرائط تحقق می‌یابد. ثانیاً توحید و ابعاد آن در همه احوال حتی در هنگام بیماری باید مدنظر باشد و نباید هیچ‌گاه از یاد خدا غافل شد. یاد خدا در هنگام بیماری هم اراده انسان را قوی‌تر و هم ابعاد توحید را بر او آشکار می‌سازد و هم عاملی برای دوری از وسوسه‌های شیطانی است که در قرآن سفارش شده است (فلق: ۲-۱) و ثالثاً ادعیه، عامل مهمی برای آرامش، اطمینان خاطر، امید و قدرت روحی و احساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی بدن انسان می‌انجامد.

جمع‌بندی

از این مقاله نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. از نظر اسلام، کمال واقعی انسان، در یکتاپرستی و انجام تکالیف الهی است.
۲. از نظر اسلام، شیطان مظهر اغواگری و انحراف انسان‌ها است که انسان با استمداد از خدا و یاد معاد باید از وسوسه‌های شیطانی خود را ایمن سازد.
۳. خداوند، نظام هستی را مسخر انسان کرده است و انسان باید از نعمات الهی کمال استفاده را بنماید.
۴. درد و رنج با شر همسان نیست، چه بسا رنج‌هایی که انسان مشتاقانه آن‌ها را طلب می‌کند.
۵. در برخورد با بیماری‌ها شیوه طبیعی و رایج، مراجعه به پزشکان و استفاده از داروهای طبیعی است و این شیوه از سنن الهی است و عدم استفاده از این شیوه نشانه عدم عقلانیت انسان است.
۶. درمان بیماری‌ها به وسیله دعاها یکی دیگر از سنت‌های الهی است که به صورت نادر و با فراهم شده جمیع شرائط تحقق می‌یابد.
۷. از کارکردهای دیگر دعا در امان ماندن از وسوسه‌های شیطان و آرامش‌دهی و امیدبخشی و افزایش قدرت روحی و احساس تسلط بر زندگی است و نیز به تقویت سیستم ایمنی بدن انسان می‌انجامد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، *اللهوف فی قتلى الطفوف*، قم: انوار الهدی، ۱۴۱۷ ق.
۲. جوادی آملی، عبدالله، *حکمت عبادات*، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۳. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۴. فارابی، ابونصر، *تعلیقات*، تحقیق: جعفر آل یاسین، بیروت: دارالمناهل، ۱۴۰۸ ق.
۵. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقیة)*، چاپ دوم، قم: دارالرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ ق.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۹.
۹. مک کواری، جان، *تفکر دینی در قرن بیستم*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.

